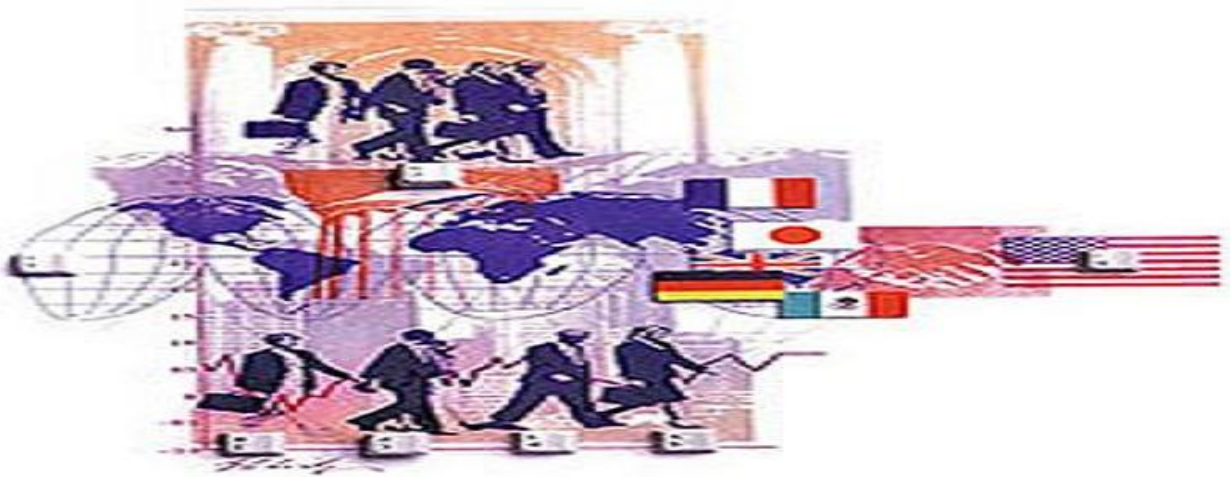


کمک یا مکیدن خون!



در نظم کنونی جهان که نظام سرمایه داری حاکم است همه‌ی افراد جامعه توسط نظام حاکم تشویق به ازدیاد سرمایه می‌شوند و به دلیل مفهوم فرد محوری (من زنده جهان زنده) هرگز آماده دستگیری فقرا-اما اندک مردم- نیستند و اکثریت جامعه ناخواسته رو به حسادت آورده‌اند.

در چنین واقعیت زندگی در جهان امروزی که زادگاه اصلی فرهنگ رایج، کشورهای غربی است چطور می‌شود گمان کرد که غرب خود علمبردار نظم کنونی جهان است و تا نفس در تن دارد از مکیدن خون بشر سیراب نمی‌شود و برای کشورهای جهان سوم یا کشورهای در حال توسعه کمک‌های اقتصادی انجام می‌دهد.

گمان فوق از نظر تئوری بعید به نظر می‌رسد؛ اما در عمل ما شاهد هستیم که کشورهای غول سرمایه‌داری مانند ایالات متحده آمریکا سالانه میلیاردها دلار را صرف کمک به کشورهای روبه توسعه می‌نمایند که این دو تئوی در تناقض با هم قرار دارند و به همین دلیل خواستم رازهای عقب پرده کمک‌های جهانی را با استناد از تحقیقات انجام شده در موسسه انسجام مالی جهانی (جی.اف.آی) که در ایالات متحده آمریکا واقع شده و مرکز پژوهش کاربردی در مدرسه اقتصاد ناروی به پژوهش گیریم.

در پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که کشورهای در حال توسعه در بدل هر یک دلار که دریافت می‌کنند، 24 دلار، اکثراً در قالب فرار سرمایه، از دست می‌دهند .

جیسن هایکل مقاله نویس و پژوهش گر مسائل اقتصادی در مقاله‌اش در روزنامه گاردین از این راز پرده برداشته است: کشورهای ثروتمند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به‌شکلی سخاوتمندانه ثروت‌شان را به کشورهای پایین دست جهان می‌بخشند، تا به آن‌ها برای ریشه‌کنی فقر و بالا رفتن اقتصاد شان کمک کنند. این قدرت‌ها هر ساله بیش از 125 میلیارد دلار صرف کمک می‌کنند. این کمک‌ها به سبب تبلیغ بیش از حد کشورهای کمک کننده از جانب کشورهای روبه توسعه چشم بسته قبول می‌گردد.

این پژوهش نشان می‌دهد که در سال 2012 کشورهای روبه توسعه مجموعاً 1.3 تریلیون دلار در قالب کمک‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و درآمدهای خارجی بدست آورده بودند که در همان سال 3.3 تریلیون دلار از این کشورها به دلایل مختلف خارج شده است. یعنی کشورهای روبه توسعه 2 تریلیون دلار اضافه پرداخت نموده‌اند که از سال 1980 بدینسو این روند جریان دارد.

مجموعاً 16.3 تریلیون دلار طی همین زمان از کشورهای رو به توسعه به کشورهای کمک‌کننده انتقال یافته است که شامل 4.2 تریلیون سود پول‌های است که در قالب کمک‌ها به کشورهای رو به توسعه داده شده است. بخشی دیگر این پول‌ها شامل سرمایه‌گذاری کشورهای کمک‌کننده می‌شود که مفاد این سرمایه‌گذاری‌ها دوباره به کشورهای خودشان انتقال می‌یابد و قسمت هنگفت این پول‌ها که از مجراهای مختلف مانند گریز از پرداخت مالیات کمرشکن، انتقال سرمایه به دلیل نبود ثبات سیاسی، اقتصادی و نبود امنیت به کشورهای توسعه یافته انتقال می‌یابد

به اساس این پژوهش، 700 میلیارد دلار دیگر به اساس فاکتورهای تجارتي این کشورها در سال 2012 از دست داده‌اند که ممکن به گریز از مالیات تجارتي و پول شویی به کشورهای مرتبط خودشان به دلیل انتقال دهند که در آنجا ضریب مالیات بالای کالاهای تجارتي تقریباً تقرب به صفر می‌کند که رد یابی همچون پول‌ها بعید به نظر می‌رسد.

مقادیر فوق 24 برابر زیادتر از کمک‌های است که این کشورها بدست آورده‌اند به این معنی که در بدل هر 1 دلار که به حیث کمک دریافت می‌کنند 24 دلار از دست می‌دهند.

این جریانات مالی حرکت وکتورهای پولی را برعکس جهت شان به نمایش گذاشته است و کشورهای کمک‌گیرنده در اصل خود کمک‌کننده برای کشورهای توسعه یافته است. پس این کشورهای توسعه یافته نیستند که کشورهای فقیر را کمک می‌کنند بل قضیه عکس موضوع را می‌رساند که کشورهای روبه توسعه هستند که اقتصاد کشورهای توسعه یافته را با گذشت هر روز و ساعت قویتر می‌سازند.

در حاکمیت چنین نا هنجاری اقتصادی در جهان ممکن نیست کشورهای روبه توسعه روزی خود را کشوری توسعه یافته تلقی کنند و این کشورها مانند چندین دهه اخیر نقش بازنده را در بازی قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان بازی خواند کرد و این روند تا زمانی ادامه خواهد یافت که کشورهای فقیر تسلط کشورهای سرمایه دار را از منابع و امکانات شان ریشه کن نکنند.

تلخیص با اضافات لازم: احمد مزمل

این مطلب تلخیص از مقاله جیسن هایکل است که تحت عنوان «Aid in reverse: how poor countries develop rich countries» در وب سایت گاردین به نشر رسیده است.